

مطالعات عربی و فارسی مثل سابق در میان مسلمانان هند رونق خاصی گرفت. در این شرایط، غیرمسلمانان به فراگرفتن زبان انگلیسی و زبان‌های مادری‌شان توجه نمودند. در پی تلاش‌های صمیمانه و صادقانه مسلمانان بنگال (تحت راهنمایی مولانا مجدالدین) در سال ۱۷۸۰ میلادی وارن هاستینگ (Warren Hasting) فرماندار کل هند با تأسیس «مدرسه عالیہ کلکتہ» به منظور تدریس علوم اسلامی و دیگر رشته‌های مذهبی و دینی به دانشجویان مسلمان هند موافقت کرد. در آن هنگام اجرای برنامه‌های گوناگون در زمینه‌های مختلف از طرف دولت و تدریس زبان و ادبیات عربی و فارسی در مدرسه کلکتہ با شور و شکوه شایان و درخشندگی زیاد جاری و ساری بود. در سال ۱۸۵۴ میلادی وقتی که بخش فارسی و اروپایی به وجود آمد، فارسی رشته اجباری این بخش گردید و نصاب دارای زبان و ادبیات فارسی کلاسیک بود.

در سال ۱۸۷۱ میلادی، یک کمیته عامل و مدیریت مدرسه کلکتہ تحت ریاست قاضی نورمن (Justice Norman) و عضویت گروهی از دانشجویان و دانشمندان بریتانیایی و مسلمانان هندی به منظور ترویج و گسترش شیوه و روش آموزش پرورش مدرسه تشکیل گردید. نواب عبداللطیف، که عضو کمیته بود، این‌گونه اظهار نظر می‌کند:

”برای فهم فرهنگ اسلامی و دانش مذهبی، آموزش زبان و ادبیات فارسی و اردو لازم و اجباری می‌باشد؛ چون بدون فراگرفتن اینها، کسی نمی‌تواند در اجتماع و معاشره مسلمانان جای شایانی داشته باشد.“

کمیته عامل و ناظر مزبور، پس از بررسی و بحث بر سر موضوع و محتوای برنامه آموزشی مدرسه، یک گزارش حکومت هند تحویل داد. در این گزارش، مطالبی جهت اصلاح در نصاب بخش عربی و فارسی و اروپایی پیشنهاد شده است. البته در این گزارش، ارزش و اهمیت عربی و فارسی مورد توجه قرار گرفته که در زیر نقل می‌شود: ”اگر تدریس زبان و ادبیات عربی و فارسی به همراه موضوع‌های دیگر در هر سطح و مقطع تحصیلی انجام بگیرد، در میان مسلمانان هند مورد استقبال

## سهم مدرسه عالیہ کلکتہ در گسترش زبان و ادبیات فارسی در هند

نوشته غلام سرور\*

ترجمه سید غلام نبی احمد\*

سقوط سلسله مغول و ظهور کمپانی هند شرقی، به‌عنوان مرکز فرمانروایی و کشورداری هند، آغاز دوره نوگرایی و تجدیدطلبی در هند به‌شمار می‌رود. در ایام تسلط انگلیسی‌ها، برنامه‌های خاصی برای احیاء و سواوری در وجوه مختلف زندگی و امور روزمره مردم اجراء شد. در ابتدا حکمرانان انگلیسی، زبان فارسی را به‌منظور نفع و سودمندی خودشان و برای انجام کارهای اداری، نظامی، دادگاهی و عمومی بکار بردند. اما بعداً، به‌منظور اجرای برنامه‌هایی در میان مردم هندوستان، زبان انگلیسی و دیگر زبان‌های ملی هند را مورد تشویق و ترویج قرار دادند. ۱۸۳۷ میلادی، طبق یک دستور و قانون دولتی، زبان انگلیسی جایگزین زبان فارسی در مکاتبات اداری و رسمی کشور هند شد. با این حال در زمینه آموزش و پرورش، به‌ویژه در مدارس و درسگاه‌هایی که عربی و فارسی و علوم اسلامی را تدریس می‌کردند، این استراتژی را درپیش گرفتند که در موضوع و محتوای آموزشی این مراکز هیچ‌دخالتی نمی‌کند. در سال ۱۸۳۹ میلادی حکومت رسماً اعلام نمود که تدریس عربی و فارسی در برنامه آموزشی مدارس که نیاز اساسی دارند ادامه یابد و در نصاب هم شامل گردد<sup>۱</sup> در نتیجه ابلاغ این دستور،

\* دانشیار بخش زبان فارسی کالج مولانا آزاد، کلکتہ.

• استادیار بخش زبان فارسی دانشگاه لکهنو، لکهنو.

قرار می‌گیرد؛ و از این طریق، تشویق و همکاری و پشتیبانی خاص و فوق‌العاده‌ای از دانشوران و دانشمندان و نخبگان حاصل می‌شود.<sup>۱</sup>

کمیته مزبور آثار مهمی چون اخلاق محسنی، یوسف و زلیخا، سکندرنامه و انشای ابوالفضل را برای دانشجویان بخش اروپایی و فارسی تجویز نمود. لرد نورث بروک (Lord North Brook) فرماندار بنگال اجرای تصمیم‌های کمیته را در هر دبیرستانی که تحصیلات فارسی و عربی ضروری و لازم بود اجباری اعلام کرد. دولت هند برای مدیریت این مدرسه عالی، داشتن مدرک تحصیلی فارسی و عربی را اجباری اعلام نمود. در این موقع آقای بلوکمان (Blockmann)، دانشور برجسته عربی و فارسی، به‌عنوان رئیس مدرسه استخدام شد.<sup>۲</sup>

به‌زودی این مدرسه، به‌عنوان یکی از مهمترین مراکز اسلامی و علمی هند، مطرح شد. استادان برجسته و ممتاز و متخصص در زمینه‌های گوناگونی برای تدریس دانشجویان استخدام شدند. علاوه بر استادان پُرکار مدرسه که زندگی خودشان را جهت پیشرفت و گسترش زبان و ادبیات فارسی وقف نموده بودند، به‌زودی شاگردان تحت سرپرستی و راهنمایی استادان نامدار این مدرسه نیز سهم بسزا و نقش کلیدی در جهت رواج و رونق و بارآوری زبان و ادبیات فارسی و عربی نه فقط در شمال هند بلکه در سراسر کشور ایفا کردند. در کنار ترویج زبان‌های عربی و فارسی، زبان اردو نیز به‌عنوان زبان ملی مردم شمال هند مورد حمایت دانشمندان و دانشوران قرار گرفت.

نه فقط علما و فضایی چیره‌دست مسلمان بلکه دانشوران اروپایی نیز ریاست و مدیریت مدرسه کلکته را به‌عهده داشتند. این مدرسه در تعلیم زبان فارسی مهارت فوق‌العاده‌ای داشت و زبان و ادبیات فارسی را در بنگال رونق فراوانی بخشید. دکتر اسپرنگر (Sprenger) (۱۸۵۰ م)، سر ویلیام ناساو لیس (Nassau Lees) (۱۸۵۷ م)، هنری فردینند بلوکمان (Henry Ferdinand Blockmann) (۱۸۷۰ م)، آئی.اف.آر. هرنل

(A.F.R. Hornel)، سر اورل استن (Aurel Stein) (۱۸۹۹ م)، سرهنگ جی.اس.آی. رانکینگ (Lt.Col. G.S.A. Ranking) (۱۹۰۱ م)، سر ادوارد دنیس راس (Edward Denison Ross) (۱۹۰۳-۱۹۱۱ م) و الکساندر هامیلتون هازلی (۱۹۱۱-۱۹۲۷ م) از جمله افرادی بودند که ریاست این مدرسه را به‌عهده داشتند. این اشخاص، از دانشوران برجسته زبان و ادبیات فارسی به‌شمار می‌روند.

دکتر اسپرنگر که دانشور چیره‌دست و معروف فارسی و عربی بود، قبل از اشتغال در مدرسه کلکته، فهرست نسخه‌های خطی عربی، فارسی و هندوستانی کتابخانه‌های شاهان اوده را تهیه کرده بود. علاوه بر این، کتاب‌های بسیاری زاجع به‌موضوع و محتوای دین اسلام تألیف کرد. همچنین وی چند نسخه خطی انجمن آسیایی بنگال را تدوین و تصحیح نمود. یکی از این کارها، شاهکار سکندرنامه بحرری می‌باشد. او، گلستان سعدی را به‌زبان انگلیسی ترجمه کرد. وی آشنایی کامل با بیست و پنج زبان داشت.

سر ویلیام ناساو لیس، مترجم زبان فارسی بود. او در اوج نابسامانی‌های اجتماعی و هرج و مرج سیاسی (یعنی در سال ۱۸۵۷ میلادی) به‌عنوان رئیس مدرسه عالی کلکته استخدام شد. هم‌زمان با جنگ آزادی (مبارزه استقلال)، افسران و مقامات بریتانیا می‌خواستند که این مدرسه را ببندند؛ اما سر ویلیام ناساو لیس، این اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها را مورد حمایت قرار نداد، بلکه با تغییر کمی در برنامه تعلیمات مدرسه، آن را اداره کرد. تحت راهنمایی وی چندین نسخه خطی نادر و نایاب، مثل تاریخ فیروزشاهی طبقات ناصری، منتخب‌التواریخ، عالمگیرنامه، پادشاهنامه تصحیح شد. وی مقاله مهمی درباره کاربرد الفبای اروپایی در زبان‌های خاوری تألیف کرد.<sup>۳</sup>

۱. عبدالستار: تاریخ مدرسه عالی کلکته، ص ۴-۱۵۳.

۲. خالده حسینی: ایشیاتیک سوسائتی کی خدمات فارسی، کلکته، ۱۹۹۷ م، ص ۲۸۶.

۳. عبدالستار: تاریخ مدرسه عالی کلکته، ص ۳۱-۱۲۳.

۴. خالده حسینی: ایشیاتیک سوسائتی کی خدمات فارسی، ص ۲۸۷.

1. Rahman, M: History of Madrasa Education, p.132

۲. عبدالستار: تاریخ مدرسه عالی کلکته، داکا (سنگلا دیش)، ۱۹۵۹ م، ص ۱۵۷.

۳. همان، ص ۱۹۸.

۴. همان، ص ۱۹۹.

هنری فردینند بلوگمان، شیفته و دوستدار زبان فارسی بود و مدتی مسئول کتابخانه فوریت ویلیام بود. آنگاه از طریق سر ویلیام لیس که آنزمان مدیر مدرسه بود به عنوان استادیار فارسی و اردوی مدرسه کلکته (در سال ۱۸۶۰ میلادی) استخدام شد. وی در سال ۱۸۷۰ میلادی به عنوان رئیس مدرسه انتخاب شد. بلوگمان کتاب‌های بسیار و مقاله‌های فراوان به تحریر درآورد؛ آئین اکبری از ابوالفضل، هفت آسمان از احمد علی را تصحیح نمود و جلد اول آئین اکبری را به زبان انگلیسی ترجمه کرد. این آثار گرانمایه، دانشمندی و دانشوری وی را آشکار می‌سازد.

آقای رانکینگ که در سال ۱۹۰۰ میلادی مسئولیت و ریاست مدرسه را به عهده داشت، مقالات مهمی راجع به زبان و ادبیات فارسی در مجله‌های معتبر کلکته به چاپ رسانید. آقای ایوانف، وی را دانشور نامور فارسی محسوب کرده است؛ به گفته ایوانف، تحت سرپرستی و راهنمایی وی فهرست توضیحی نسخه‌های خطی انجمن آسیایی بنگال آماده شد. وی جلد اول منتخب‌التواریخ عبدالقادر بدایونی را ترجمه کرد و کتابی خوبی در زمینه عروض هم نوشت. علاوه بر این، چند اثر عربی را نیز ترجمه نمود.

دیگر دانشور برجسته و از مدیران و رؤسای مدرسه کلکته، سر دنیسن راس بود که در سال ۱۹۰۳ میلادی این منصب را به عهده داشت. او، به عنوان یک خاورشناس معروف بین‌المللی، دانش و آشنایی عمیق درباره دین اسلام داشت. وی مقالات فوق‌العاده‌ای در زمینه مطالعات اسلامی و زبان و ادبیات فارسی دارد. او، تاریخ گجرات ابوقراب ولی، دیوان بیرم خان، مبادی اللغات محمد مهدی خان، هفت اقلیم امین احمد رازی را تصحیح نمود.<sup>۱</sup>

مقالات خارق‌العاده او در مورد فقیر خیرالدین محمد (تاریخ نویس شاه عالم) دیوان بابر پادشاه (مجموعه شعری پادشاه ظهیرالدین محمد بابر)، مقامات حویری، دانشوری و دانشمندی وی را نشان می‌دهد.<sup>۲</sup>

۱. خالد حسینی: ایشیاتیک سورمانتی کی خدمات فارسی، ص ۲۸۴.

2. Inavow, W: Concise Description Catalogue of the Persian Manuscripts, Asiatic Society of Bengal, Calcutta, 1985, p.xii.

3. Ibid, p.287.

4. Journal, Asiatic Society of Bengal, Vol. 71, 1902, pp.72-3, 136-41.

انکساندر هامیلتون هارلی، دانشمند و دانشور نامور زبان‌های عربی و فارسی اردو، در سال ۱۹۱۱ میلادی مدیر این درسگاه شد و تا سال ۱۹۲۷ میلادی، با کاهراپا کامیابی خدمات شایانی کرد. وی بعداً به عنوان اولین رئیس کالج اسلامی (کالج مؤ آزاد) تعیین شد. وی در تصحیح جلد سوم هفت اقلیم یا عبدالمقتدر و محفوظان همکاری نمود.

پس از سال ۱۹۲۸ میلادی، اهالی هندی ریاست و مدیریت این مدرسه بزرگ به عهده داشتند. بیشتر این افراد نیز از دانشوران و دانشمندان فوق‌العاده و برجسته فارسی و اردو بوده‌اند. آنان از صلاحیت و استعداد و علم و فضل خودشان رونق و پیشرفت این مدرسه بهره بردند. در عین حال این افراد، سهم بسزائی پیشرفت زبان و ادبیات فارسی داشتند.

مولوی هدایت حسین، که در سال ۱۹۲۸ میلادی مدیریت مدرسه را به عهده گرفت دانشور برجسته و خارق‌العاده عربی و فارسی بود و در زمینه مطالعات فارسی شایانی کرد. وی بسیاری از نسخه‌های خطی انجمن آسیایی بنگال را تصحیح است. آثار رحیمی (در سه جلد) از عبدالباقی نهاوندی، طبقات اکبری (۳ جلد) نظام‌الدین احمد، تاریخ مبارکشاهی از احمد بن عبدالله، تاریخ شاهی احمد یاد تکره همايون و اکبر از بایزید بیات، تاریخ شوشتر از عبدالله شوشتری، قانون هم از خواندمیر از جمله کارهای فوق‌العاده او بود. این آثار نشانگر و بیانگر دانشور دانشمندی و عاشقی و دل‌بستگی وی به زبان و ادبیات فارسی می‌باشد.

خان بهادر محمد موسی، از اهالی بنکورا، دانشور و دانشمند گرانقدر فارسی از سال ۱۹۳۴ تا ۱۹۴۱ میلادی مدیر مدرسه کلکته بود؛ وی نیز، خدمات انجام داده است. وی، چندین کتاب و مقاله به زبان عربی و فارسی و اردو به تحریر در

۱. عبدالستار: تاریخ مدرسه عالی کلکته، ص ۱۵۵.

۲. همان، ص ۱۵۶.

۳. خالد حسینی: ایشیاتیک سورمانتی کی خدمات فارسی، ص ۲۸۹.

۴. عبدالستار: تاریخ مدرسه عالی کلکته، ص ۱۵۹.

خان بهادر مولوی ضیاءالحق، مدیری و ریاست مدرسه را از سال ۱۹۴۳ تا ۱۹۵۴ میلادی به عهده داشت. وی نصاب درسی عربی و فارسی برای کارشناسی ارشد دانشگاه‌های کلکته و دهاکه را تدوین کرد.<sup>۱</sup>

مولوی شیخ شرف‌الدین در سال‌های ۵-۱۹۵۴ میلادی ریاست مدرسه را عهده‌دار بود. وی مقالاتی راجع به موضوع و محتوای مطالعات اسلامی به زبان انگلیسی نوشت و در مجله‌های معتبر هند و پاکستان به چاپ رساند. وی در انتشار مجله سکه‌شناسی در انجمن آسیایی بنگال با اچ.ای. استاپلتون (H.E. Stapleton) همکاری نموده است. او، مقاله فوق‌العاده‌ای در مورد اختراع شیمی در قرن یازدهم میلادی نوشته است.<sup>۲</sup>

علاوه بر دانشوران و دانشمندان و استادان نامدار مزبور که ریاست یا مدیریت مدرسه را به عهده داشتند، شمار زیادی از معلمان و آموزگاران ارشد مدرسه نیز سهم و نقش مهمی در تعلیم فارسی داشتند. این افراد، علاوه بر وظیفه تدریس دانشجویان در زبان‌های اردو، عربی و فارسی، شعرهایی سرودند و چندین کتاب و مقاله در این زمینه نوشتند.

از جمله مدرسان و معلمان ارشد، مولوی عبدالحق خیرآبادی، مولانا الله‌داد، مولانا احمد، مولانا عبدالماجد علی جونپوری، مفتی سعید، امین‌الحسن قابل ذکر هستند. اینها با تحریر کتاب‌ها و رساله‌های خودشان، زبان و ادبیات عربی و فارسی را در هند رونق فراوان و شگفتگی خاصی بخشیدند.

از دیگر استادان مدرسه کلکته که استعداد و توانایی خودشان را در پیرامون گسترش و ترویج زبان و ادبیات فارسی صرف نمودند، عبارت‌اند از: آغا احمد علی، مولانا جمیل انصاری، مولانا عبدالرؤف واحد، مولوی عبدالغفور نساخ، علامه عبدالرحمن علی کاشغری، مولانا عبدالسلام، لطف‌الرحمن برودوئی، ابوالفتح محمد حسین.

۱. عبدالستار: تاریخ مدرسه عالی کلکته، ص ۱۶۰.

۲. همان، ص ۱۶۲.

آغا احمد علی از اهالی شهر دهاکه، از دانشوران برجسته زمان خود به حساب می‌آمد. وی بسیاری از کتاب‌های فارسی انجمن آسیایی بنگال را تصحیح نمود. در شعر تاریخی مدرسه کلکته که سخنور نامدار میرزا غالب دهلوی شرکت نموده بود. احمد علی هم شرکت داشت. وقتی که اسدالله خان غالب در کتاب خود (قاطع برهان) قاطع را مورد انتقاد و طنز قرار داد، احمد علی به حمایت و پشتیبانی برهان قاطع بلند شد و کتاب مؤیدالبرهان را در سال ۱۸۶۵ میلادی نوشت. غالب رساله‌ای به نام «تیغ تیزتر» نوشت و به احمد علی پاسخ داد. در پاسخ به مطالب این کتاب میرزا غالب، احمد علی کتابی با عنوان شمشیر تیزتر در سال ۱۸۶۸ میلادی نوشت. علاوه بر این احمد علی با تألیف کتاب‌هایی چون رسائل اشتیاق، تاریخ صنف مشن ترانه، هفت آسمان، سهم بسزایی در گسترش زبان و ادبیات فارسی ایفا نموده است. در انجمن آسیایی بنگال برای تصحیح سکندرنامه بحری با اسپرنگر همکاری نمود. همچنین با مولوی کبیرالدین، اقبالنامه جهانگیری را تصحیح کرد. اما، فائز عالمگ را خود تصحیح نمود. تصحیح نسخه‌های خطی مذکور کاری سخت و زحمت بود، اما آغا احمد علی این وظیفه دشوار را به خوبی انجام داد.

محمد عبدالرؤف واحد، از دانشوران و شاعران برجسته فارسی قرن نوزدهم میلادی در بنگال شناخته می‌شود. وی کتاب‌های بسیاری را گردآوری کرده و نوشته است. تاریخ بنگال، تاریخ کلکته، تحفه الحج، او سلطان الانحار اردو را مدیریت کرد و روزنامه به نام دوربین را به زبان فارسی انتشار داد. او در سال ۱۸۵۵ میلادی به عنوان مدیر دولتی استخدام شد و در سال ۱۸۶۰ میلادی به عنوان استاد فارسی مشغول کار شد. در تشویق و ترغیب دانشجویان به مطالعه زبان و ادبیات فارسی نقش مهمی ایفا نمود. وی صاحب دیوانی فارسی بود که در سال ۱۸۹۱ میلادی انتشار یافت.<sup>۳</sup>

۱. کلیم سهرامی: بنگال مین غالب‌شناسی، دهاکه، ۱۹۹۰ م، ص ۴۸-۹.

۲. عبدالستار: تاریخ مدرسه عالی کلکته، ص ۵-۱۸۴، خالد حسینی: ایتناتیک سوسائتی کی خدمات ص ۲۸۵.

۳. عبدالستار: تاریخ مدرسه عالی کلکته، ص ۱۹۸.

Obaidi, M: A Persian Poet of Nineteenth Century Bengal. Calcutta. 2005. p.7.

عبدالسلام از زادگاه چیتگاؤن و از دانش‌آموختگان مدرسه کلکته نیز از استادان فارسی مدرسه کلکته بود. او، دو کتاب مهم فارسی یعنی *صحیفه‌العمل* و *مرآة‌الخیال* را تصحیح کرد.<sup>۱</sup>

عبدالغفور نساخ، شاعر سرشناس بنگال نیز از مدرسان این مدرسه بود. مجموعه شعر فارسی، به نام *مرغوب دل* که دارای ۱۱۲ رباعی فارسی می‌باشد، از شاهکارهای وی است. علاوه بر این غزل‌ها و قطعات و قصاید زیادی سروده است. مجموعه‌های اردو تحت عنوان *گنج تواریخ* و *کنز تواریخ* و دوایی تحت عنوان *دفتر بی‌مثال*، *اشعار نساخ* و *ارمغان* از کارهای وی می‌باشد. وی *پندنامه عطار* را به زبان اردو و تحت عنوان *چشمه فیض* ترجمه کرد. این اثر، در چاپخانه معروف نولکشور انتشار یافت. این کارها، استعداد سخن‌سرایی وی را نشان می‌دهد.<sup>۲</sup>

نابغه روزگار مولانا عبیدالرحمن سهروردی (۱۸۸۵-۱۸۳۴ م)، دانش‌آموخته از مدرسه کلکته از شاعران نامدار بنگال بلکه سراسر هند به‌شمار می‌آید. وی به‌عنوان استاد عربی، در کالج هبلی خدمات شایانی انجام داد. وی به‌زبان فارسی اشعار بسیار سرود. مجموعه کلام وی، چند جلد می‌باشد. او کتابی تحت عنوان *دستور فارسی امروز* پیرامون موضوع و محتوای دستور زبان فارسی جدید در پنج جلد تحریر کرد. وی سیر حکمای فرنگ را نوشت که تا حالا به‌چاپ نرسیده است. علاوه بر این کتاب‌هایی به‌زبان عربی نوشته است. او کتاب *تحفة‌المؤرخین* تألیف راجا رام موهن زای را به‌زبان انگلیسی ترجمه نمود. وی به‌عنوان «بحرالعلوم» شناخته می‌شود.<sup>۳</sup>

بدون شک، قبل از تقسیم هند، مدرسه کلکته دوره‌ای زرین را سپری کرد. اما، تقسیم هند و پیدایی پاکستان، محیط و اوضاع پژمرده و بی‌سروسامانی برپا کرد. به‌دنبال

۱. عبدالستار: تاریخ مدرسه عالی کلکته، ص ۲۰۱.

۲. لطف‌الرحمن: نساخ سی وحشت تک، کلکته، ۱۹۵۹ م، ص ۳۸؛ محمد حامد علی خان: عبدالغفور نساخ، آکادمی ساهتیبه، دهلی، ۲۰۰۳ م، ص ۸۱.

۳. محمد حامد علی خان: عبدالغفور نساخ، ص ۹۳-۶۲.

4. Firoze Obaidi, M: *A Persian Poet of Nineteenth Century Bengal*, p.25.

این امر، برومندی و شگفتگی صد و پنجاه ساله این مدرسه بزرگ از دست رفت. پس از ایجاد پاکستان شرقی (بنگلادش) و تصمیم به انتقال مدرسه تاریخی کلکته به مرکز تازه دهاکه اوضاع نابسامان و بی‌نظمی خاصی اتفاق افتاد. با تلاش مدیر وقت مدرسه (خان بهادر محمد ضیاءالحق) تصمیم گرفته شد که فقط بخش عربی به‌دهاکه منتقل شود و بخش فارسی و انگلیسی در همان ساختمان کلکته ادامه کار دهد. اما تمام استادان و کارمندان به‌همراه کتابخانه غنی و گران‌بهای مدرسه کلکته که دارای نسخه‌های خطی نادر و نایاب عربی و فارسی بود به‌شهر دهاکه منتقل گردید. به‌جز دو معلم مابقی استادان به مرکز نو رفتند. این جریان، برای تمام مسلمانان هند باعث تأسف و موجب نرسردی بود.

واقعاً این فاجعه بزرگ و زیان‌بار جبران (چه در تاریخ هند و چه در مدرسه کلکته) بود که شکوه و افتخار سابق را به‌زوال کشید. از یک‌طرف، مسلمانان هند عیران فرخنده و فاخر گذشته را از دست دادند و از طرف دیگر در زمینه آموزش و پرورش مدرسه‌های بنگال بی‌بهره شد و صدمه زیادی دید. به‌رحال در سال ۱۹۴۹ میلادی روشنائی امید و نشان خوش‌بینی در ابر پنهان شد و چادر افسردگی و غم برپا شد. در همین موقع با تلاش صادقانه سیاستمداران و اندیشمندان مسلمان هند چون مولانا ابوالکلام آزاد (وزیر آموزش و پرورش اسبق هند)، حسین احمد مدنی (رئیس جمعیت علمای هند)، مولانا حفیظ‌الرحمن، مولانا زمان حسینی، قاری رحمت‌الله و یشتیانی تشویق دکتر بی.سی. رای (استاندار بنگال) بازسازی مدرسه عالی کلکته در طبقه اول همان ساختمان که خالی بود، مورد توجه قرار گرفت. در این موقع خان بهادر عبدالیوسف به‌عنوان مدیر مدرسه عالی کلکته انتخاب شد.

در سال ۱۹۴۹ میلادی، سعید احمد اکبرآبادی دانشمند برجسته اسلامی، به‌دستور خواهش مولانا ابوالکلام آزاد ریاست این مدرسه را به‌عهده گرفت. در طی ریاست و سعی بسیار و کاوش دامنه‌دار برای به‌دست آوردن معیار تعلیم (مقام علم و دانش) فراگرفتن افتخار گم‌گشته مدرسه صورت گرفت. او مقاله‌های فوق‌العاده‌ای در مجله

۱. عبدالستار: تاریخ مدرسه عالی کلکته، ص ۱۱۳.

و روزنامه‌های معتبر و موثر گوناگون به چاپ رساند و برای مدت طولانی نیز مدیر مسئولی ماهنامه برهان را برعهده گرفت. وی به‌عنوان دانشمند و دانشوری معروف در جهان شناخته شد.

مولانا محمد کنیل فاروقی، متخصص به‌افزینی و فارغ التحصیل از دارالعلوم دیوبند، به‌عنوان استاد مدرسه کلکته اشغال داشت. وی به‌زبان و ادبیات فارسی بسیار خدمت نموده است. وی اشعاری زیبا به‌زبان‌های اردو، عربی و فارسی سروده است استاد دیگر، مولانا نور عالم بیهارلی نیز شاعر فارسی بود.

یکی دیگر از دانشوران بزرگ و برجسته فارسی و عربی و مضامین اسلامی مدرسه، مولانا معصومی (ت: ۱۹۳۱ م) می‌باشد. وی از دانش‌آموختگان مدرسه عالی کلکته و یکی از ادبا و نخبگان عربی قرن بیستم میلادی محسوب می‌شود و در رشته‌های عربی و فارسی بی‌ظن و بی‌همتا بود. او مقاله‌های فوق‌العاده‌ای در مجله‌های مهمی چون معارف، برهان، اندر ایرانیکا، تفرقة اهلند، انتشار داده است به‌همین لحاظ، از طرف رئیس جمهور هند جایزه استاد افتخاری گرفت.

پروفسور محمد شاه‌دلنده، استاد عربی و رئیس سابق مدرسه عالی کلکته کتابی درباره موضوع و محتوای دستور و ترجمه فارسی برای دانشجویان برستانی به‌زبان انگلیسی تألیف کرد. همچنین، مقاله‌های متعددی در مورد آموزش و پرورش علم انسانی و مطالعات فرهنگی در مجله‌های مختلف به‌چاپ رساند.

محمد عدالته که پس از تقسیم هند سال‌ها استاد مدرسه عالی کلکته بود، خدمات ارزنده و شایانی برای گسترش و پیشرفت زبان و ادبیات فارسی داشته است. وی نویسنده و استاد پرکاری بود و مقاله‌های تحقیقی زیادی تحریر نمود. گردآوری سوهیل فخرست توضیحی نسخه‌های خطی فارسی انجمن سیاسی بنگال، بهترین نمونه و مواد کار وی به‌نظر می‌رسد. وی به‌ذیل خدماتش در زمینه زبان و ادبیات فارسی، استاد افتخاری از جانب رئیس جمهور هند گرفت.

پس از بررسی و نظر سنجی، هویدا و آشکار می‌گردد که مدرسه عالی کلکته در گسترش و بازسازی و احیای زبان و ادبیات فارسی در بنگال نقش مهمی کبندی ایفا نموده است. بسیاری از دانشمندان و سخنوران و نویسندگان که با این درسگاه نامور و

مرکز علمی نامدار ارتباط داشتند، به‌نوعی تسبیح درخشان و چراغ تابناک فارسی را در این سرزمین کوب‌پروز و علم دوست روشن و فروزان نگه داشتند. تحت تأثیر این چراغ درخشنده، نوجوانان مسلمان در سراسر بنگال، آسم و بنگلادش از زبان فارسی بهره‌مند شدند.

میدانیم که در آینده نیز مدرسه عالی کلکته چراغ راهما و مشعل فروزان گسترش و پیشرفت زبان و ادبیات عربی و فارسی و مطالعات اسلامی در هند شرقی باشد.

#### منابع

۱. خاتمه حسینی: ایشیاتیک سوسائتی کی خدمات فارسی، کلکته، ۱۹۹۷ م.
۲. عبدالستار: تاریخ مدرسه عالی کلکته، داکا (بنگلادش)، ۱۹۵۹ م.
۳. کیم سهرامی: بنگال میں عالی‌تہ فارسی، دهاکه، ۱۹۹۰ م.
۴. لطف‌الرحمن: ستارہ سی رحمت کلکته، کلکته، ۱۹۵۹ م.
۵. محمد احمد علی خان: عبدالعزیز ستارہ، اکادمی ساهتیہ، دہلی، ۲۰۰۳ م.
6. Firoze Obaidi, M: *A Persian Poet of Nineteenth Century Bengal*, Calcutta, 2005.
7. Inavow, W: *Concise Description Catalogue of the Persian Manuscripts*, Asiatic Society of Bengal, Calcutta, 1985.
8. *Journal*, Asiatic Society of Bengal, Vol. 23, 1854.
9. Rahman, M: *History of Madrasa Education*, Calcutta, 1979.

پژوهش‌های علمی و مطالعات فرهنگی  
مجله علمی و تحقیقاتی  
پژوهش‌های علمی و مطالعات فرهنگی